

دوفصل نامه علمی - ترویجی سیره پژوهی اهل بیت علیهم السلام

سال پنجم، شماره هشتم، بهار و تابستان ۱۳۹۸

صفحات ۲۵ - ۴۰

سیره امام علی علیه السلام در دریافت مالیات

علی اکبر ذاکری^۱

چکیده

دریافت مالیات از کارهای مرسوم حکومت هاست. مقدار و چگونگی دریافت به صورتی که موجب نارضایتی مردم و تعطیلی واحدهای تولیدی نشود از مهمترین مسایل حکومت‌ها بوده است. این مقاله با نگاهی تحلیلی به سیره امیرالمؤمنین، به واکاوی این پرسش می‌پردازد که ملاک دریافت مالیات در سیره امام چه بوده است؟ در این بررسی نشان داده شد، معیار اصلی امام برای دریافت مالیات توجه به آبادی شهرها بوده است. از این رو ایشان از مازاد بر نیازهای مردم، مالیات دریافت می‌کرده است. بر همین مبنا، امام دستورالعمل‌هایی برای کارگزاران صادر کرده بودند تا از سرمایه اولیه مردم، مالیات دریافت نشود. امام علی علیه السلام خود بر عملکرد مؤدیان مالیات نظارت می‌کردند و بازسازی نیز برای رسیدگی به شکایات مردم انتخاب کرده بودند. **کلیدواژه‌ها:** خراج، زکات، عدالت اقتصادی امام علی علیه السلام، مالیات.

۱. استادیار پژوهشکده تاریخ و سیره پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. a.zakerkhomi@isca.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۱۰

درآمد

دریافت مالیات از منابع مهم درآمد حکومت‌ها بوده است. چگونگی دریافت مالیات نشانه‌ای از عدالت یا ستم حکومت‌هاست. حاکمان طماع برای عیاشی و خودنمائی و بزرگ جلوه دادن حکومت‌هایشان به زور از مردم مالیات دریافت می‌کردند. چنانچه افراد در پرداخت مالیات تأخیر داشته و یا نمی‌دادند، مورد اذیت و آزار قرار گرفته و اموال آنان به زور گرفته می‌شد. مالیات قانونی و شرعی در اسلام، زکات است. زکات جنبه عبادی دارد و افراد داوطلبانه آن را به حاکم اسلامی می‌پردازند. نماینده و کارگزار حکومت طبق شرایط خاصی به دریافت آن می‌پردازد. امروزه به جهت این که دولت‌ها خدمات زیادی در عرصه‌های مختلف ارائه می‌دهند پایه اصلی بودجه مالی آنان را مالیات تشکیل می‌دهد. منابع مالی دولت ایران بیشتر متکی بر درآمدهای نفتی بوده است. با این حال دولت تلاش می‌کند با دریافت مالیات از مردم، بنگاه‌های اقتصادی و کارخانجات، بخشی از مشکلات ناشی از اتکاء به درآمدهای نفتی را رفع کند. به نظر می‌رسد برخی کارخانجات و بنگاه‌های اقتصادی به سبب پرداخت مالیات زیاد تعطیل شده و بر شمار بیکاران افزوده شده است. پرسش اصلی این است که میزان دریافت مالیات مطابق با قوانین شرع چه مقدار است؟ آیا می‌توان از کارخانه و کارگاه به قدری مالیات گرفت که باعث تعطیلی آن شود؟ برای پاسخ به سؤالات بالا بهترین الگوی حکومتی که در اختیار داریم دوران حکومت رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام است. مالیات دوره پیامبر صلی الله علیه و آله زکات اموال بود و صرفاً از فرد مسلمان دریافت می‌شد. حکم کلی زکات در قرآن آمده و موارد زکات توسط پیامبر صلی الله علیه و آله تشریح و تبیین شده است. در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام افزون بر زکات، خراج نیز اخذ می‌شد. خراج در آغاز بیشتر از غیر مسلمانان دریافت می‌شد. طبق ضوابط اسلامی اصل ملک از آن مردم و حکومت اسلامی بود، و از درآمد بر زمین مالیات خراج گرفته می‌شد. آیا افزون بر این دو نوع مالیات، از دیگر اموال و دارایی مردم، مالیات دریافت می‌شد؟ برای دریافت مالیات در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام چه ضوابطی مطرح شده است؟

پیشینه

درباره این موضوع به صورت کلی آثار و مقالات متعددی نگاشته شده و از عدالت امیرالمؤمنین علیه السلام سخن گفته‌اند. نگارنده کتاب *بیت‌المال در نهج البلاغه* (۱۳۶۳) به موضوع بیت‌المال به طور کلی پرداخته و از غنائم جنگی و سوء استفاده خلفا از جمله خلفای بنی عباس از بیت‌المال سخن گفته است. محمد رحمانی (۱۳۷۹) در مقاله «بیت‌المال در نهج البلاغه»

موضوع بیت‌المال را مطرح سپس بخشی از سخنان امیرالمؤمنین را عنوان بندی و ترجمه کرده است. نویسنده مقاله «مالیات در حکومت اسلامی» (۱۳۸۵) نیز بعد از مطرح کردن مالیات در اسلام از امکان وضع مالیات جدید توسط حاکم اسلامی سخن گفته و به سیره امیرالمؤمنین علیه السلام در دریافت مالیات از اسب استناد کرده که در آن شیوه دریافت مالیات کمتر مورد بررسی قرار گرفته و بحث عام است. گراوند و خالدی سردشتی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «سیره امام علی در تقسیم بیت‌المال» پس از بحث از تاریخچه بیت‌المال در صدر اسلام و تشکیل دیوان سپاه، درباره شیوه تقسیم عادلانه بیت‌المال توسط امیرالمؤمنین به طور مساوی سخن گفته و آنگاه از تخلصاتی که کارگزاران انجام داده‌اند بحث کرده و به شیوه دریافت عادلانه کمتر پرداخته است. مقاله‌ای با عنوان «سیره اقتصادی حضرت علی علیه السلام درباره نحوه دریافت مالیات» بیشتر به عزل و نصب کارگزاران و نکاتی در افزایش درآمد مردم پرداخته است. در جلد سوم سیمای کارگزاران علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین علیه السلام که به سیره ایشان درباره گردآوری زکات و خراج و مسائل بیت‌المال پرداخته است با آنچه در این مقاله خواهد آمد، متفاوت است. این نوشتار به سیره امیرالمؤمنین در گرفتن مالیات خواهد پرداخت با این حال پیش از آن به سیره پیامبر درباره زکات اشاره خواهد شد.

سیره

سیره از ماده سیر و سیر به معنای رفتن است. سیره را به معنای راه و روش دانسته‌اند آن گونه که گفته می‌شود: در میان مردم با سیره و روش نیکو یا زشت رفتار کرد و جمع آن سیر است (طریحی، ۱۴۱۶: ۳/۳۴۰). سیره بر وزن فَعَله، برای بیان نوع عمل است مانند نوع هیئت، جریان و حالت و کیفیت آن (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۵/۲۸۸). منظور از نوع، تکرار عمل نیست بلکه شیوه و روش است. نوع نشستن، حالت سخن گفتن و چگونه برخورد کردن با دیگران، گرچه یک بار اتفاق بیفتد. سیره به زشت و زیبا تقسیم می‌شود. در نتیجه نوع عمل به معنای قواعد کلی نیست گرچه می‌توان از آن اعمال، قواعدی استخراج کرد. منظور از سیره امیرالمؤمنین علیه السلام روش عملی و فرمان‌های آن حضرت برای گردآوری و مصرف مالیات خراج است. بدیهی است که این فرامین برای جمعی از کارگزاران مالیات صادر شده و نیازی به تکرار نداشته است.

زکات در اسلام

برای دریافت زکات در اسلام مواردی مطرح شده است که از آن میان دو مورد می‌تواند برای

دریافت انواع مالیات مورد توجه قرار گیرد.

۱. خداوند زکات را بر تمام اموال قرار نداده بلکه زکات در موارد خاصی از درآمدها واجب شده است. در روایات فراوانی از رسول خدا نقل شده که زکات بر نه چیز واجب شده و از غیر آنها عفو شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/ ۹۰). حلبی از دانشمندان شیعی هم عصر ائمه معتقد است وجوب زکات بر نه چیز مربوط به اوایل بعثت بوده است و بعدها زکات بر همه حبوبات وضع شده است (همان: ۵۱۱). با این حال، عموم فقهای شیعه زکات را فقط در نه چیز واجب می‌دانند و در بقیه موارد مستحب می‌شمارند. این نکته نشان می‌دهد که حکومت می‌تواند مالیات را در موارد خاص تعیین کند و بر همه درآمدها مالیات تعیین نکند. البته علما بر این نظر هستند که حاکم اسلامی متناسب با شرایط می‌تواند موارد مالیات را توسعه دهد؛ چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام بر اسب بیابان چر در هر سال دو دینار و بر استر یک دینار، زکات تعیین کرده بود (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/ ۵۳۰؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۴/ ۶۷).

۲. از مهمترین شروط دریافت زکات، شرط نصاب است. یعنی زکات در وقتی واجب می‌شود که به مقدار و مبلغ خاصی برسد. زکات گندم و جو زمانی واجب می‌شود که به مقدار ۲۸۸ من تبریز، ۴۵ مثقال کم، معادل ۲۰۷ / ۸۴۷ کیلوگرم برسد. زکات طلا و نقره وقتی واجب است که مقدار طلا و نقره به بیست مثقال برسد.

از این شرط روشن می‌شود که نباید تمرکز دریافت مالیات بر درآمدهای اندک باشد. یعنی مالیات باید از درآمدهای زیاد دریافت شود و کسانی که درآمد اندک دارند مالیاتی با عنوان زکات بر آنان واجب نمی‌شود. مالیات هم نباید از شغل‌های با درآمد اندک دریافت شود. نکته مهم دیگر این که وقتی به مقدار نصاب برسد مخارج به کار رفته استثناء می‌شود، و زکات از بقیه مال دریافت می‌شود. این ملاک خوبی برای حفظ تولید است.

اگر خمس را به عنوان مالیات اسلامی در نظر بگیریم پس از آن واجب می‌شود که مالی افزون بر مخارج زندگی و نیازهای اقتصادی باقی بماند و سال بر آن بگذرد. یعنی از نیاز مردم و آنچه در طول سال مصرف کردند مشمول خمس نمی‌شود بلکه از آنچه ذخیره شده باید خمس پرداخت شود.

مالیات خراج

خراج، درآمد اصلی بیت‌المال مسلمین در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام بود. حضرت بر خلاف روش خلفای گذشته در گردآوری و تقسیم مالیات، مساوات را در نظر گرفت. در این مقاله به شیوه

دریافت مالیات توسط حضرت توجه خواهد شد و مسئله تقسیم عادلانه بیت‌المال مجال دیگری می‌طلبد.

قبل از پرداختن به این موضوع مناسب است به پیشینه خراج در اسلام توجه شود.

پیشینه خراج

واژه «خراج» ظاهراً از «خراگ» فارسی گرفته شده و در عهد ساسانیان به عنوان مالیات زمین از مردم گرفته می‌شد (زرین کوب، ۱۳۷۱: ۱/۵۰۴). خراج در لغت عربی به معنای مالیات (زبیدی، ۱۴۱۴: ۵/۵۰۹) و غله زمین به کار رفته است (همان؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۳/۳۲). در روزگار پیشین، زمین را ملک پادشاه می‌دانستند و مردم از محصول آن بهره‌مند شده و سهمی به نام مالیات به دولت می‌دادند و این رسم، بین رومیان و ایرانیان رواج داشت (جرجی زیدان، ۱۳۵۶: ۱۷۵).

خراج قبل از اسلام دارای دو قسم بود. خراج «موظف» به عنوان مال الاجاره بر زمین و خراج «مقاسمه» که بخشی از درآمد زمین، به صورت یک سوم یا یک چهارم به حکومت پرداخت می‌شد. در دوره خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام تا نیمه دوم قرن دوم هجری خراج موظف به صورت اجاره بود (قلقشندی، ۱۹۸۷: ۱/۴۸۲؛ ماوردی، ۱۴۰۶: ۱۷۰). پس از فتح ایران و روم و منطقه عراق کسانی بودند که روی زمین کار می‌کردند، کشاورز و کارگر زمین بودند (ابوعبید، ۱۴۰۸: ۷۳). هر کشاورز برابر تقسیمات دوره ساسانی مقدار معینی از زمین را در اختیار داشت. خلیفه دوم در ابتدا تصمیم گرفت زمین‌ها را بر اساس شمار کشاورزان تقسیم نماید. ولی در جلسه مشورتی با صحابه، امام علی علیه السلام پیشنهاد دادند: «آنها را رها کن تا ذخیره و سرمایه برای همه مسلمانان باشند» (بلاذری، ۱۴۰۴: ۳۶۷). بر همین اساس خلیفه دوم زمین‌ها را تقسیم نکرد و خراج سالیانه بر درآمد زمین‌ها قرار داد و خراج‌های دریافتی را میان مسلمانان تقسیم می‌کرد. مالیات خراج از درآمد زمین‌ها گرفته می‌شد و پرداخت‌کنندگان آن نیز غیرمسلمان بودند.

این مقاله بر آن است شیوه و سیره امیرالمؤمنین علیه السلام در دریافت خراج را استخراج نماید تا از این طریق معیار و مبنایی برای کارگزاران مالیاتی نظام اسلامی ارائه کند. در این راستا تلاش شده است تا در سیره امام علی علیه السلام در سه محور ملاک دریافت مالیات، شیوه تعیین مقدار مالیات و نظارت بر کارگزاران امور مالیاتی استخراج و تبیین شود.

ملاک دریافت مالیات

از سخنان حضرت در موارد مختلف به صورت بخشنامه، نامه به کارگزاران خراج و کارگزاران

شهرهای مختلف نکات بسیاری می‌توان استخراج کرد.

۱. دریافت به قدر توان

دریافت مالیات باید به اندازه‌ای باشد تا مردم را تحت فشار اقتصادی قرار ندهد. امیر المؤمنین علیه السلام در نامه‌ای خطاب به کارگزاران خراج چنین توصیه می‌کند: «وَلَا تُكَلِّفُوهُمْ فَوْقَ طَاقَتِهِمْ، وَأَنْصِفُوا النَّاسَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ» (منقری، ۱۴۰۴: ۱۰۸)؛ و بیش از توانشان آنان را مکلف نسازید. با مردم به انصاف رفتار کنید». در این دستور امام تأکید می‌کند که در تنظیم مالیات باید توان مالیات‌دهنده در نظر گرفته شود نه نیاز دریافت‌کننده. وقتی قرار است مالیاتی دریافت شود باید انصاف را در نظر گرفت. انصاف در اینجا به مقدار مالیات و همچنین به چگونگی محاسبه و دریافت مالیات قابل تفسیر است. مرد مؤمنی نقل می‌کرد در اوائل انقلاب مالیاتی را برای مغازه‌ای تعیین کردیم. مغازه‌دار به مقدار مالیات تعیین شده اعتراض داشت که توان من کمتر از این است. ما گفتیم کالاهایی که در مغازه شماست مبنای تعیین مالیات است. او در پاسخ مدعی شد بسیاری از کارتن‌ها خالی‌اند و برای حفظ آبرو آنها را در قفسه قرار داده شده است. بنابراین مأموران تعیین مالیات باید در تنظیم مقدار مالیات دقت کافی داشته باشند.

۲. دریافت اضافی اموال

دریافت مالیات از مردم و شرکت‌ها در واقع دریافت از مازاد درآمد افراد افزون بر مخارج زندگی‌شان است. نه اینکه با گرفتن مالیات افراد و شرکت‌ها از هستی ساقط شده و جمعی دچار بیکاری شوند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نظر داشت مردی از قبیله بنی‌ثقیف را برای گردآوری خراج از کوفه اعزام کند. در جمع مردم بیان کرد تمام مالیات آنان را به طور کامل دریافت کن و از یک درهم هم که به عهده آنان است گذشت نکن. در ادامه فرمودند وقت اعزام به محل مأموریت به دیدار ما بیا. وقتی مرد ثقفی نزد حضرت رفت فرمود: من احساس کردم آنان مردم خدعه‌گرند ممکن است از سخنان من سوءاستفاده کنند. لذا به صورت قاطع به تو دستور دادم ولی الان می‌گویم به هیچ وجه به مردم ستم نکنی و آنان را برای دریافت خراج مورد آزار قرار ندهی گرچه دست خالی برگردی، اگر متوجه بشوم که این‌گونه عمل نکرده‌ای تو را عزل می‌کنم و در پایان فرمود: «إِنَّمَا أَمَرْنَا أَنْ نَأْخُذَ مِنْهُمْ الْعَفْوُ» (ابویوسف، ۱۳۹۹: ۱۶؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵: ۴۲ / ۴۸۸؛ اسکافی، ۱۴۰۲: ۲۴۹؛ ابو نعیم، ۱۴۰۹: ۸۲/۱؛ بیهقی، ۱۴۱۳: ۲۰۵/۹)؛ تنها به ما دستور داده شده که از مازاد اموال آنها مالیات بگیریم».

معنای سخن حضرت این است که دریافت خراج و مالیات نباید سبب آسیب به سرمایه افراد شود به صورتی که به بهانه مالیات سرمایه خود را از دست بدهند. در توصیه‌هایی که حضرت به این مرد ثقفی دارد این نکته هم آمده که باید به آنان ستم نکنی اگرچه آن گونه که رفتی بازگردی؛ یعنی مالیاتی دریافت نکنی برای من ارزشمندتر است از این که با گرفتن مالیات از آنان، به مردم ستم روا داری.

این خبر در منابع اصلی شیعه نیز نقل شده است (طوسی، ۱۴۰۷: ۹۸/۴؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۵۴۰/۳؛ صدوق، ۱۴۰۴: ۲۴/۲). بنابراین می‌توان این سخن حضرت را ملاک شرعی برای دریافت مالیات دانست.

۳. رعایت حقوق مؤدیان

در دریافت مالیات باید مصلحت مالیات‌دهندگان مورد توجه قرار گیرد و پرداخت مالیات آنان را دچار ضعف مالی نکنند و صلاح آنان باید مورد توجه مسئولان مالیات باشد. مالیات زمانی دریافت می‌شود که مؤدیان مالیاتی در وضعیت مناسب اقتصادی باشند و یا یک کارگاه و کارخانه دارای درآمد مناسب باشد. اگر اقتصاد افراد و شرکت‌ها در وضعیت نامطلوب باشد امکان دریافت مالیات وجود ندارد. بدیهی است دریافت مالیات نباید موجب تعطیلی مراکز اقتصادی شود. امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر یکی از وظایف وی را آبادی شهرها (عمارة بلادها) می‌داند و درباره اهمیت خراج و نقش آن در اصلاح جامعه نکات مهمی را بیان می‌کند:

الف: اهمیت خراج

حضرت به مالک می‌نویسد: «و تَفَقَّدُ أَمْرَ الْخَرَاجِ بِمَا يُصْلِحُ أَهْلَهُ فَإِنَّ فِي صَلَاحِهِ وَ صَلَاحِهِمْ صَلَاحًا لِمَنْ يَسْوَاهُمْ وَ لَا صَلَاحَ لِمَنْ يَسْوَاهُمْ إِلَّا بِهِمْ لِأَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ عِيَالٌ عَلَى الْخَرَاجِ وَ أَهْلِهِ» (سیدرضی ۱۴۱۴: ۴۳۶؛ حرانی، ۱۴۰۴: ۱۳۷). و در کار خراج، چنان بنگر که به صلاح صاحبان خراج باشد، زیرا در صلاح آن و مصلحت خراج (مالیات) دهندگان برای مردم دیگر نیز مصلحت است و صلاح نیابد جز به آنان (مؤدیان)؛ چرا که مردم همگی هزینه خوار خراج و خراج‌گزارانند. یعنی وضعیت خوب و بد پرداخت‌کنندگان مالیات در وضعیت مردم نقش دارد.

ب: توجه به آبادانی شهر

آیا اصل بردیافت خراج و مالیات است یا اصل برآبادانی شهرها. ممکن است گفته شود آنچه برای حکومت‌ها مهم است دریافت مالیات است و کاری به وضع مالی مردم ندارند بویژه

در گذشته که دولت به کارهای اقتصادی نمی پرداخت. وقتی قانونی تصویب می شود و مالیاتی تعیین می گردد به هر صورت باید دریافت شود گرچه پرداخت کننده توان پرداخت آن را نداشته باشد و باید از راه های دیگر تأمین کند. چون قانون است و استثنا بردار نیست. ولی سیره امیرالمؤمنین علیه السلام نشان می دهد که اهتمام آن حضرت بر آبادانی شهرها بیشتر از دریافت خراج و مالیات بوده و این موضوع را برای مالک اشتر به گونه ای بیان می کند تا برای جامعه الگو باشد: «وَلْيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ وَمَنْ طَلَبَ الْخَرَاجَ بَغَيْرِ عِمَارَةٍ أَخْرَبَ الْبِلَادَ وَأَهْلَكَ الْعِبَادَ وَلَمْ يَسْتَقِمَّ أَمْرُهُ إِلَّا قَلِيلًا (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۴۳۶): باید نظر و اندیشه تو به آبادانی زمین بیشتر از نگرستنت به گردآوری خراج باشد؛ زیرا جمع خراج جز با آبادانی میسر نشود و آن که خراج خواهد و به آبادانی نپردازد، شهرها را ویران کند و بندگان را هلاک گرداند و کار حکومتش جز اندکی، راست و پایدار نماند».

یکم. پیامدهای منفی بی توجهی به آبادانی

سخن حضرت در این فراز بسیار سودمند است. امام می فرماید اگر کسی به جای آباد کردن شهرها و رونق تولید اقتصادی و ایجاد ثروت فقط به دریافت مالیات همت گمارد سه پی آمد منفی خطرناک دارد:

۱. ویرانی شهرها

زمانی که دولت فقط به دریافت مالیات توجه کند، مردم آنچه به دست می آورند باید به دولت بدهند. با توجه به این که بیشتر درآمد آنها را دولت می گیرد دیگر انگیزه ای برای کار و تولید ثروت نخواهند داشت و این بی انگیزگی، ویرانی شهرها را در پی دارد. در حالی که حکومت در صورت بهبود وضع مالی مردم و رشد اقتصادی راحت تر می تواند مالیات و خراج بگیرد. این نکته ای است که امیرالمؤمنین علیه السلام بر آن اصرار دارد. حضرت در نامه ای که به قرظة بن کعب کارگزار خود می نویسد از نامه ای یاد می کند که مردم منطقه به حضرت نوشته بودند اینجا نهری بوده که از بین رفته است و درخواست احیای آن را داشتند تا بتوانند خراج خود را پرداخت کنند. حضرت به او دستور می دهد که با کمک مردم نهر را آباد کند. امام علیه السلام در پایان می نویسد: «وَلَا تَعْمَرُوا وَيَقُومُوا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ يَضَعُوا (بلادری، ۱۳۹۴: ۲ / ۱۶۲): اگر عمران نمایند و قوی شوند برای من دوست داشتنی تر است از این که دچار ضعیف گردند».

۲. نابودی مردم

زمانی که مردم انگیزه و توان کافی برای کار و تلاش نداشته باشند دچار مشکل و رخوت شده

و در نتیجه آن آسیب جدی خواهند دید. از این رو حضرت تصریح می‌کند خرابی شهرها باعث هلاکت مردم می‌شود.

۳. ناپایداری حکومت

وقتی حکومتی پشتوانه مردمی خود را از دست بدهد و ثروتی تولید نشود تا دولت بتواند از آن مالیات بگیرد، این امر موجب از بین رفتن حکومت می‌شود. افزون بر از دست رفتن پشتوانه مردمی و مالی حکومت، حتی احتمال دارد موجب مقابله و مخالفت مردم با حکومت و منجر به جنگ مسلحانه بین آنها شود.

امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه‌ای به حاکم فارس او را از دریافت پیش از موعد مالیات منع می‌کند. امام در تحلیل تبعات این کار چنین می‌فرماید: «اَسْتَعْمَلِ الْعَدْلَ وَ احْذَرِ الْعُسْفَ وَ الْحَيْفَ فَإِنَّ الْعُسْفَ يَعُودُ بِالْجَلَاءِ وَ الْحَيْفَ يَدْعُو إِلَى السَّيْفِ (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۵۵۹): عدالت را به کار گیر و از خشونت و ستم دوری کن، زیرا خشونت باعث مهاجرت مردم از منطقه شده و ستم، مردم را به شمشیر فرا می‌خواند».

به تصریح ابن ابی الحدید، زیاد بن ابیه پیش از موعد سعی کرده بود تا از مردم مالیات بگیرد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق: ۲۰/ ۲۴۵). مردم هنوز محصولات کشاورزی خود را برداشت نکرده بودند تا خراج بدهند از این رو زیاد به خشونت متوصل شد تا از مردم مالیات بگیرد. مردم برای پرداخت خراج مجبور شدند محصولات خود را به قیمت کم بفروشند و متضرر شوند. این زیان موجب اعتراض شده و آنان را تا مرحله جنگ مسلحانه کشانده بود؛ از این رو حضرت، زیاد بن ابیه را از این کار باز داشته بود.

دوم: تعیین مالیات و خراج

با توجه سیره امیرالمؤمنین علیه السلام تعیین میزان مالیات باید متناسب با وضع مالی مردم باشد.

۱. توجه به مشکلات مؤدیان

امیرالمؤمنین علیه السلام شیوه تعیین مقدار دریافت مالیات را برای مالک اشتر این گونه بیان می‌کند که حاکم، کارگزاران هر منطقه‌ای را جمع کرده و آنان وضعیت شهرهایشان را بیان کنند تا با توجه به وضع مالی شهرها، مالیات و خراج آنان تعیین شود. حاکم باید در این باره از دیگران نیز پرسش و نظرخواهی کند تا دیدگاه افراد مختلف را که آشنا به وضعیت اقتصادی مردم هستند دریافت کرده سپس تصمیم‌گیری کند. در مناطق مختلف باید با توجه به وضعیت مالی مردم، مقدار مالیات مشخص گردد. یکسان‌سازی مالیات در کل شهرها گرچه به ظاهر نوعی

عدالت و یا بهتر بگوییم مساوات در قانون مالیات است؛ اما همین مساوات با توجه به تفاوت وضعیت مالی و اقتصادی مردم مناطق مختلف، ضد عدالت است، زیرا در مناطق مختلف کارگاه تولیدی قیمت محصولش را با توجه به موقعیت منطقه و توان خرید مردم آنجا، مشخص می‌کند. برای نمونه شرکت تولیدی مواد غذایی در خراسان برای محصولش تبلیغ می‌کرد. بعد از مدتی خبری از آن شرکت نبود. از افراد مطلع علت را جویا شدم و متوجه شدم آن شرکت چون توان پرداخت مالیات تعیین شده را نداشت، نتوانست به فعالیت خود ادامه دهد. بدیهی است دولت باید به گونه‌ای از مردم مالیات بگیرد که باعث رکود و یا تعطیلی مراکز اقتصادی و بنگاه‌های مالی نشود. حضرت در این باره به مالک می‌فرماید: «فَاجْمَعِ إِلَيْكَ أَهْلَ الْخَرَجِ مِنْ كُلِّ بُلْدَانِكَ وَ مَزْهَمِمْ فَلْيُعْلِمُوكَ حَالِ بِلَادِهِمْ وَ مَا فِيهِ صَلَاحُهُمْ وَ زَخَاءُ جِبَابَتِهِمْ، ثُمَّ سَلْ عَمَّا يَزْفَعُ إِلَيْكَ أَهْلُ الْعِلْمِ بِهِ مِنْ غَيْرِهِمْ» (حرانی، ۱۴۰۴: ۱۳۷). پس خراج‌گذاران همه شهرها منطقه‌ات [مصر] را نزد خود فرا آور و به آنها بگو تا وضعیت شهر خود و نیازمندی‌ها و تسهیلات خراجی آن را به تو گزارش دهند. از کارشناسان دیگر نیز بپرس و تحقیق کن». در ادامه حضرت می‌فرماید: «پس اگر از سنگینی (مالیات) شکایت کردند یا از آفتی که به کشت رسیده یا آبی که از کشت‌هاشان بریده یا خشکسالی یا کشت زمین بر اثر غرق شدن در آب یا بروز بی‌آبی تباه گردید، بار آنان را سبک گردان چندان که امید داری کارشان سامان و اصلاح پذیرد (سیدرضی، ۱۴۱۴: نامه ۵۴)». طبق این سخن لازم است تخفیف مالیاتی به گونه‌ای باشد که آنان را امیدوار به ادامه فعالیت اقتصادی نماید و مشکلاتشان بر طرف گردد.

۲. فوائد تخفیف مالیات

امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از اینکه از لزوم پرداخت مالیات سخن می‌گوید آن را در حدی می‌داند که باعث امیدواری مردم به فعالیت اقتصادی گردد. رعایت حال مردم در دریافت مالیات، نباید ناخشنودی والی را در پی داشته باشد؛ زیرا مهربانی به مردم موجب حمایت و کمک مالی آنها در آینده و آبادی شهرهاست. امام در این باره به مالک می‌فرماید: «آنچه بدان، بار آنان را سبک گردانی [و از مالیات آنان بکاهی]، بر تو گران نیاید؛ زیرا آن اندوخته‌ای است که با آبادانی شهرهایت و آرایش و تزیین حکومتت به تو باز گردانند؛ افزون بر این که ستایش آنان را به خود کشانده‌ای و شادمان هستی که عدالت را میانشان گسترانده‌ای، در حالی که تکیه بر فزونی توان و قوت آنان خواهی داشت. به آنچه نزدشان اندوخته‌ای از اعتماد و آسوده ساختن خاطر آنان و به دست آوردن اطمینان آنان که به عدالت تو خو گرفته‌اند و به رفق و مدارای تو آشنا گردیده‌اند و چه بسا در آینده کاری پدید آید که چون آن را بر عهده آنان گذاری با خاطر خوش بپذیرند و

انجام دهند. برآستی که کشور آباد هرچه بر عهده آن (مالیات) نهی، می‌کشد و زمین جز با تنگ‌دستی ساکنان آن ویران نشود (سیدرضی، ۱۴۱۴: نامه ۵۴).

امیرالمؤمنین علیه السلام در این سخن چندین فایده برای تخفیف مالیاتی بیان کرده‌است:

۱. با این تخفیف اعتماد مردم را جلب می‌کنی و این سرمایه اجتماعی ارزشمندی است که بعد می‌توانی از آن بهره‌مند شوی.

۲. این کار نشانه‌ای از عدالت، رفق و مدارای تو با مردم است.

۳. قدرت و توان مالی آنان به نفع مردم و تو است و از آن متضرر نمی‌شوی.

۴. اعتماد مردم به تو باعث می‌شود که اگر در آینده کاری از آنان بخواهی انجام دهند و درخواست تو را بپذیرند.

۵. کشور آباد، توان پرداخت مالیات را دارد اما اگر مردم دچار مشکل و فقر شوند ویرانی مملکت را به دنبال خواهد داشت.

۳. زشتی سوء استفاده از مالیات

امیرالمؤمنین علیه السلام پس از برشمردن نتایج تخفیف مالیاتی، از عاقبت زشت و ناپسند مال اندوزی حاکمان سخن می‌گوید و تلاش کارگزاران و کارمندان را در گردآوری مال، ناشی از بدگمانی آنان به بقای خویش بر قدرت می‌داند. حضرت حاکمان را این‌گونه به رفتار نیک توصیه می‌کند: «و مردم شهرها هنگامی تنگ‌دست و فقیر شوند که والیان به گردآوری مال و افزون طلبی روی آرند و بر ماندن خود بر سرکار سوء ظن داشته و به آن اطمینان نداشته باشند، و از آنچه مایه عبرت است کمتر بهره برند (همان). پس تو در حکومتت مانند کسی عمل کن که دوست دارد از رعیت، ستایش ذخیره کند و از خداوند، ثواب و از امام، رضایت. و نیرویی نیست جز نشأت گرفته از خدا» (حرانی، ۱۴۰۴: ۱۳۸).

سوم: نظارت بر عملکرد مأموران مالیاتی

حاکم اسلامی مسئول اصلی مالیات و خراج است. امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه‌ای یکی از وظایف حاکم را گردآوری فیء و مالیات معرفی می‌کند (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۸۳). حضرت برای حسن انجام دریافت مالیات، مسائلی را مورد توجه قرار می‌داد. امام افزون بر نظارت مستقیم بر دریافت مالیات، در صورت نیاز افرادی را به عنوان بازرس به مناطقی اعزام می‌کرد. در دوره امام علی علیه السلام معمولاً مالیات به دو صورت دریافت می‌شد. گاهی امیرالمؤمنین علیه السلام کارگزارانی برای گردآوری مالیات به مناطق مختلف اعزام می‌کردند؛ و گاهی امیران مناطق مختلف به

جمع‌آوری خراج می‌پرداختند و یا افرادی را برای این کار تعیین می‌کردند. در هر صورت حضرت بر امور مالیاتی نظارت زیادی داشت و در این باره گزارش‌های متعددی از سیره و کلام حضرت نقل شده است.

۱. مأموران مالیات

امیرالمؤمنین علیه السلام برای گردآوری خراج افرادی را از کوفه به مناطق مختلف اعزام می‌کرد که از آنان با عنوان «امراء الخراج» (منقری، ۱۴۰۴: ۱۰۸)، «فرماندهان خراج» و «کارگزاران خراج» (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۴۲۵) یاد شده است. امام دستورالعمل‌های متعددی برای آنان صادر کرده و از آنان می‌خواهد در هنگام دریافت خراج به مردم ستم نکنند و منصفانه از مردم مالیات را دریافت کنند. امام به این افراد سفارش می‌کند: «شما خزانه‌داران مردم و وکیلان امت اسلامی و نمایندگان رهبران هستید». یعنی شما این اموال را باید برای مردم نگه‌داری می‌کنید و به عنوان وکیل و نماینده مردم و فرستاده حاکم مالیات دریافت می‌کنید. همچنین حضرت درباره برخورد با اموال مشمول مالیات و شیوه دریافت آن چنین دستور می‌دهد: «برای دریافت خراج لباس زمستانی و تابستانی کسی را مفروشید و نه حیوانی را که با آن کار می‌کنند و نه برده‌های آنان را و نه به جهت دریافت درهمی، کسی را نزنید و به مال مسلمان و یا معاهد (اهل ذمه) دست‌درازی نکنید» (همان).

این سخنان کمال مهربانی را نسبت به مالیات‌دهندگان نشان می‌دهد. لازم است به این نکته اشاره شود که حضرت بیان می‌کند «و نه حیوانی را که با آن کار می‌کنند» یعنی آنچه ابزار و وسیله تولید و کار است نباید از مردم گرفته شود. مرکبی که با آن کار می‌کنند و وسیله تولید و کار کشاورزی آنان است. حضرت کارگزاران خراج را از دریافت آن باز می‌دارد. بدیهی است دریافت خراج به گونه‌ای که باعث تعطیلی کارخانه و یا کارگاه و یا فعالیت اقتصادی شود، بیشتر از یک مرکب و حیوانی که در شخم زدن زمین و یا بردن محصول به کشاورز کمک می‌کند، باید مورد توجه و دقت مسئولان مالیاتی قرار گیرد تا دریافت مالیات ضربه به تولید نزند.

۲. کارگزاران مناطق و شهرها

در دوره امام علی علیه السلام بخش عمده مالیات توسط کارگزاران مناطق مختلف دریافت می‌شد. از این‌رو نظارت حضرت بر کار آنان از جهات مختلفی مورد توجه است:

الف: در نامه حضرت به حذیفه کارگزار مدائن توصیه شده هنگام گردآوری مالیات از قوانین و ضوابط نکرده و از طرف خود چیزی بر آن نیفزایند: «وَأْمُرُكَ أَنْ تَجْبِيَ خَرَاجَ الْأَرْضِينَ عَلَى الْحَقِّ

وَ النَّصْفَةَ وَ لَا تَتَجَاوَزْ مَا قَدِمْتُ بِهِ إِلَيْكَ وَ لَا تَدْعُ مِنْهُ شَيْئاً وَ لَا تَبْتَدِعْ فِيهِ أَمْراً ثُمَّ أْفِسِمَهُ بَيْنَ أَهْلِهِ بِالسَّوِيَّةِ وَ الْعَدْلِ (دیلمی، ۱۴۱۲: ۲ / ۳۲۱): و به تو فرمان می‌دهم که خراج زمین‌ها را با حق و انصاف جمع‌آوری کرده، از آنچه برای تو معین کرده‌ام تجاوز نکنی و کمتر از آن را هم جمع نمایی و چیزی طبق نظر خود بر آن کم و زیاد نکنی سپس خراج را بین مستحقین با مساوات و عدل تقسیم کن.»

ب: کارگزاران مناطق مختلف، موظف بودند در زمانی معین، مالیات را گردآوری کرده برای واریزه به خزانه به مرکز حکومت ارسال کنند. اگر آنان در این وظیفه تعلل می‌کردند امیرالمؤمنین علیه السلام طی نامه‌ای به آنان تذکر می‌داد. در تعداد زیادی از نامه‌های حضرت به کارگزاران تصریح شده که در فرستادن خراجت تأخیر داری به موقع حسابت را بفرست (نک. ذاکری، ۱۳۸۵: ۱ / ۱۰۶). گاهی نیز با نوشتن نامه به آنان تذکر و اخطار می‌داد که از موقعیت خود برای ثروت‌اندوزی و کسب مال استفاده نکنند (نک. سیدرضی، ۱۴۱۴، نامه ۵). چنانکه امام به زیاد بن ابیه کارگزار فارس می‌نویسد: اگر به من خبر برسد که در فیء و مالیات مسلمانان کم یا زیاد خیانت کرده‌ای بر تو سخت خواهیم گرفت چنان سخت‌گیری که تو را کم مایه، گران پشت و ذلیل و خوار گرداند (همان: نامه ۲۰).

ج: حضرت توجه داشت که اموال و مالیاتی که گرد آورده‌اند مورد سوء استفاده قرار ندهند و آن را در موارد غیر قانونی مصرف نمایند و به ناحق به دیگران نبخشند. چنانچه افرادی تخلف می‌کردند و یا گزارشی از تخلف کارگزاری به حضرت می‌رسید او را به مرکز فراخوانده مورد بازجویی قرار می‌دادند. برای نمونه امام علی علیه السلام منذر بن جارود عبدی را به سبب سوء استفاده از اموال عمومی عزل و زندانی کرده بود (سیدرضی، ۱۴۱۴: نامه ۷۱). افرادی چون قعقاع بن شور پس از سوء استفاده مالی برای فرار از مجازات به معاویه پیوسته بودند (ثقفی، ۱۴۱۰: ۳۶۵). همچنین نعمان بن عجلان زرقی کارگزار بحرین، پس از ارسال صورت خراج منطقه، برای فرار از مجازات به سوی معاویه رفت (یعقوبی، بی‌تا: ۲ / ۲۰۱).

۳. اعزام بازرسی

امیرالمؤمنین علیه السلام برای نظارت دقیق‌تر بر عملکرد کارگزاران در مسائل مالی و گردآوری مالیات، افرادی را برای بازرسی به مناطق مختلف اعزام می‌کرد. حضرت به مالک بن کعب ارحبی کارگزار به قباذات دستور می‌دهد از محل مأموریتش به مناطقی بین دجله و عذیب برای بازرسی برود و از کارگزاران آن مناطق بازرسی داشته باشد: «بر حوزه خدمت خود کسی را جانشین گذار و با گروهی از کسان خود بیرون رو تا به منطقه سواد بگذری و در میان دجله و عذیب، از

کارمندان و کارگزاران من پرسش و جستجو کن و در سیره آنها بنگر پس به به قبایذات بازگرد» (یعقوبی، بی تا: ۲ / ۲۰۵). همچنین غلام خود سعد را برای بازرسی از وضعیت مالی و کاری زیاد بن ایبه به فارس فرستاده بود (همان: ۲۰۴). اعزام این دو بازرس در دو منطقه برای نظارت بر عملکرد کارگزاران، نشانه حساسیت حضرت نسبت به امور مالی است.

۴. توجه شکایات مردم

نظارت بر عملکرد مأموران منحصر در تعیین بازرس نبود. نظر به اینکه امام در امور مالی حساس بود به نظارت‌های مردمی هم توجه می‌کرد. اگر به حضرت خبر می‌رسید یکی از مأموران گردآوری مالیات به مردم ستم کرده او را عزل می‌کرد. برای نمونه زنی به نام سوده همدانیه برای شکایت از مأمور مالیات نزد حضرت رفت، حضرت که مشغول نماز بود، نمازش را کوتاه کرد و بعد از شنیدن شکایت، آن مأمور را عزل کرد (ابن طیفور، ۱۳۲۶: ۳۵-۳۷؛ ذاکری، ۱۳۸۵: ۱ / ۱۰۶). شکایت ایرانیان که در نامه ۱۹ نهج البلاغه آمده نمونه دیگری از رسیدگی به شکایت مردمی و برخورد تند با کارگزار امور مالی است. با این مثال‌ها روشن می‌شود که امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به مسائل مالی حساس بود و بر عملکرد کارگزاران شخصاً نظارت می‌کرد و گاهی نیز بازرسانی برای رسیدگی به امور مالی و بررسی شکایات مردمی ارسال می‌کرد.

نتیجه

با توجه به سیره امام علی علیه السلام روشن شد ملاک تعیین و دریافت مالیات در اسلام اضافی اموال و مازاد بر مخارج سالیانه افراد است. امیرالمؤمنین علیه السلام کارگزاران خود را متوجه آبادانی شهرها کرده بود تا در این صورت زمینه دریافت مالیات فراهم کنند. به توصیه حضرت در گرفتن مالیات نباید به مردم ستم کرد و نباید از وسائلی که در تولید نقش دارند مالیات گرفت. حضرت برای نظارت بر امور مالی، از کارگزاران خود می‌خواست تا حساب مالی خود را بفرستند و در صورت سوء استفاده، به شدت آنها را مؤاخذه و زندانی می‌کرد. امام افزون بر نظارت مستقیم، گاهی با اعزام بازرسان بر امور مالی کارگزاران مالیاتی نظارت می‌کرد و در این راستا به شکایات مردمی توجه ویژه‌ای می‌کرد. با پیروی از سیره امام نباید در گرفتن مالیات به مردم ستم کرد، یا به مقداری مالیات گرفت که واحدهای تولیدی تعطیل شوند. به فرموده امام چنین ظلم و ستم‌هایی مردم را به مقابله و گاهی مواجهه مسلحانه با حکومت خواهد کشاند. کارگزاران باید به آبادانی شهرها و رونق تولید توجه کنند تا از این طریق زمینه گرفتن مالیات فراهم شود.

منابع

- ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله (۱۴۰۴)، شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، ج ۲۰، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفی.
- ابن طيفور، احمد بن ابی طاهر (۱۳۲۶)، بلاغات النساء، قاهره، مطبعة مدرسة والده عباس الاول.
- ابن عساکر، ابی القاسم علی بن الحسن (۱۴۱۵)، تاریخ مدينة دمشق، تحقیق علی شیری، ج ۴۲، بیروت، دارالفکر.
- ابو عبید، قاسم بن سلام (۱۴۰۸)، الأموال، تحقیق محمد خلیل هراس، بیروت، دارالفکر.
- ابو نعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله (۱۴۰۹)، حلیة الاولیاء، ج ۱، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابو یوسف، قاضی (۱۳۹۹)، الخراج، بیروت، دارالمعرفة.
- اسکافی، ابو جعفر محمد بن عبدالله معتزلی (۱۴۰۲)، المعیار والموازنة فی فضائل الإمام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، تحقیق محمد باقر محمودی، بیروت، بی نا.
- بلاذری، احمد بن عیسی بن جابر (۱۴۰۴)، فتوح البلدان، تحقیق رضوان محمد رضوان، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- بلاذری، احمد بن عیسی (۱۳۹۴)، أنساب الأشراف، تحقیق محمد باقر محمودی، ج ۲، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین بن علی (۱۴۱۳)، سنن الكبرى، ج ۹، بیروت، دارالمعرفة.
- ثقفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد (۱۴۱۰)، الغارات، تحقیق عبد الزهراء حسینی، بیروت، دار الاضواء.
- جرجی، زیدان (۱۳۵۶)، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهرکلام، تهران، امیرکبیر.
- حرّانی، حسن بن شعبه (۱۴۰۴)، تحف العقول عن آل الرسول، تحقیق علی اکبر غفّاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- دیلمی، ابو محمد حسن بن محمد (۱۴۱۲)، ارشاد القلوب الی الصواب، ج ۲، قم، انتشارات رضی.
- ذاکری، علی اکبر (۱۳۸۵)، سیمای کارگزاران علی بن ابی طالب امیر المؤمنین علیه السلام، ج ۱، قم، بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم).
- رحمانی، محمد (۱۳۷۹)، «بیت المال در نهج البلاغه»، حکومت اسلامی، پائیز، شماره ۱۷، (۳۱۵-۳۴۶).
- زبیدی، مرتضی محمد بن محمد (۱۴۱۴)، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق علی

- شیری، ج ۵، بیروت، دار الفکر.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۱)، تاریخ مردم ایران، ج ۱، تهران، امیرکبیر.
- سیدرضی، محمدبن حسین (۱۴۱۴)، نهج البلاغه، تحقیق فیض الاسلام، قم، هجرت.
- «سیره اقتصادی حضرت علی علیه السلام درباره نحوه دریافت مالیات» (۱۳۹۴)، ۲۴ تیر، روزنامه کیهان.
- صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۴)، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، ج ۲، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶)، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، چ سوم، ج ۳، تهران، مکتبه المرتضویه.
- طوسی، شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷)، تهذیب الاحکام، تحقیق سید حسن موسوی خراسان، ج ۴، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- قلقشندی، احمد بن علی (۱۹۸۷)، صبح الأعشى فی صناعة الانشاء، ج ۱، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی (اصول، فروع، روضه)، تحقیق علی اکبر غفاری، ج ۳، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- گراوند مجتبی و شهرام خالدی سردشتی (۱۳۹۷)، «سیره امام علی در تقسیم بیت المال»، سیره پژوهی اهل بیت، پائیز و زمستان، شماره هفت، (۷-۲۴).
- ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب (۱۴۰۶)، أحكام السلطانیه، چ دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳ و ۵، تهران، وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی.
- منقری، نصر بن مزاحم (۱۴۰۴)، وقعه صفین، تحقیق: محمد هارون، قم، کتابخانه آیه الله العظمی نجفی.
- مؤمن قمی، محمد (۱۳۸۵)، «مالیات در حکومت اسلامی»، فقه اهل بیت، بهار، شماره ۴۵، (۳-۲۶).
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا)، تاریخ یعقوبی، ج ۲، بیروت، دارصادر.